

بررسی تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و فرانسه با نگاهی بر حقوق مصر و انگلستان

حمید جودکی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی

چکیده

گاهی انعقاد عقد معلق به شرطی است که از آن به عنوان عقد معلق نامبرده می شود و گاهی انحلال عقد معلق به شرط است بدین معنا که پس از تحقق شرط تعهد ایجاد شده خودبه خود از بین می رود در این حال شرط مذکور را شرط فاسخ نام نهاده اند. تحلیل شرط فاسخ در حقوق موضوعه ایران تقریباً برگرفته از حقوق متمدن کشور های پیشرفته است. از طرفی با توجه به عدم موجودیت چنین عنوان مستقلی در میان فقیهان رویکرد فقیهان نسبت به این موضوع یکسان نیست. برخی آنرا بنابر ((منافات شرط فاسخ با مقتضای ذات عقد)) و ((توقف مسببات بر اسباب)) دارای اشکال دانسته اند. در مقابل نیز برخی بر اساس عمومات ادله شروط و روایات باب بیع خیار صحیح به شمار آورده اند. در حقوق برخی کشورها از جمله مصر در مواد ۲۶۵ تا ۲۶۹ قانون مدنی از ماهیت، احکام و آثار مترتب بر شرط فاسخ سخن گفته شده و آن را در ردیف شرط معلق به رسمیت شناخته است. در حقوق انگلستان به دلیل تکیه بر حقوق عرفی و آرای قضایی اسباب انحلال قرارداد ازهم تفکیک نشده اند اما کاربرد شرط فاسخ در قراردادها در آن کشور بسیار رواج دارد. در حقوق فرانسه انفساخ معلق یکی از اسباب سقوط تعهدات بوده و ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی فرانسه آنرا تعریف نموده است. این نوشتار بر آن است که وضعیت حقوقی این شرط را در فقه و حقوق موضوعه و حقوق فرانسه بررسی نموده و با توجه به اینکه نظام قضایی مصر مبتنی بر دیدگاه ها و روشهای حقوق اروپایی (خصوصاً فرانسه) می باشد و کشوری متری از حیث نظام حقوقی به حساب می آید نگاهی گذرا به این شرط در حقوق مصر و همچنین انگلستان داشته باشد.

کلید واژه ها: شرط فاسخ، تعلیق در منشاء، فسخ معلق، معلق علیه، انفساخ